

ابتداء کتاب کفایة الاثر تألیف خزاز قمی بر کتب شیخ صدوق - سعید کریمیان،
مهدی مهریزی، مژگان سرشار، سیدمحمدعلی ایازی
علمی - پژوهشی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال هجدهم، شماره ۷۲ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، پاییز ۱۴۰۰، ص ۹۰-۱۱۲

ابتداء کتاب کفایة الاثر تألیف خزاز قمی بر کتب شیخ صدوق

سعید کریمیان*

مهدی مهریزی**

مژگان سرشار***

سید محمدعلی ایازی****

چکیده: امروزه یکی از دغدغه‌های پژوهشگران حوزه حدیث و تاریخ حدیث، اثبات ابتدای آثار متأخر، بر منابع مکتوب متقدم است. با اثبات این موضوع، مکتوبات روایی موجود از اعتبار زیادی برخوردار خواهند شد. در این مقاله سعی بر آن است که ابتدای کتاب کفایة الاثر نگاشته علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی در اواخر قرن چهارم بر آثار شیخ صدوق اثبات شود. بدین وسیله میزان اعتبار این کتاب در حد اثری که مبتنی بر نقل مکتوب است و از آسیب‌های نقل شفاهی مصون مانده است، بالا می‌رود. در این مقاله با تطبیق روایات کتاب کفایة الاثر با کتب شیخ صدوق، ملاحظه شد که از میان بیست و نه روایت که از شیخ صدوق نقل شده است، بیست و هفت روایت با میانگین شباهت نود و هشت و نیم درصد، در سه کتاب کمال الدین، عیون اخبار الرضا علیه السلام و الخصال موجود است. توجه به درصد شباهت روایات ما را به این نتیجه می‌رساند که مرحوم خزاز قمی این روایات را از کتاب‌های مرحوم صدوق نقل نموده و صرفاً نقل شفاهی روایات نمی‌باشد.

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

** . استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

*** . استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

**** . استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران sma.ayazi@gmail.com

بیان مسئله

بررسی متون کهن حدیثی از جمله مباحث مهم در حوزه علوم حدیث است. اینکه یک کتاب حدیثی تا چه میزان بر مکتوبات پیش از خود مبتنی است؟ روایات آن از چه حدی از اعتبار برخوردار است؟ انتساب کتابی حدیثی به یک نویسنده تا چه حد درست است؟ اثرپذیری و اقتباس از آثار مکتوب قبلی در چه درجه‌ای است؟ اثرگذاری آن بر مکتوبات بعدی چگونه است؟ این اثر در کدام دسته از گونه‌های کتب حدیثی است؟ و ... چنانچه یک اثر حدیثی از کتب قبل از خود تأثیر پذیرفته، آیا کپی‌برداری است، یا برگرفته و اقتباس است، یا دگرگون کردن متون قبلی است؟ و ... سؤالاتی است که در بررسی یک کتاب حدیثی کهن لازم به نظر می‌رسد.

در این مقاله سعی شده است تا ابتدای کتاب کفایة الاثر تألیف مرحوم خزاز قمی بر کتب شیخ صدوق بررسی گردد. با تطبیق روایات کتاب کفایة الاثر با کتب شیخ صدوق، می‌توان میزان برخورداری خزاز قمی از مکتوبات شیخ صدوق را دریافت. خزاز قمی بیست و نه حدیث از شیخ صدوق در کتاب خود روایت کرده است. با جستجوی این روایات در کتب صدوق معلوم شد نزدیک به صد درصد این روایات از مکتوبات صدوق نقل شده و صرفاً نقل شفاهی از صدوق نمی‌باشد. مباحث این مقاله را در سه بخش بیان خواهیم کرد:

۱. مقدمه پژوهش: معرفی کتاب کفایة الاثر و خزاز قمی و سپس روش پژوهش و نکات مهم پژوهشی
۲. متن پژوهش: بررسی روایات کفایه و تطبیق با کتب صدوق

۳. تحلیل و جمع‌بندی: نتیجه پژوهش و دست‌آوردهای آن

بخش اول: مقدمه

در این مقدمه ابتدا به معرفی مختصر کتاب کفایه و سپس معرفی خزاز می‌پردازیم. پس از آن به توضیح روش پژوهش پرداخته و چند نکته پژوهشی جهت بهره‌مندی بیشتر از مقاله بیان خواهد شد. پیشینه پژوهش و نوآوری این مقاله نیز در پایان اشاره خواهد شد.

معرفی کتاب کفایة الاثر

کتاب کفایة الاثر در موضوع نصوص وارد شده در باره دوازده امام و اثبات عدد و نام‌های ایشان، توسط علی بن محمد بن علی الخزّاز القمی الرازی، محدث قرن چهارم و پنجم هجری تألیف شده است. نام کامل این کتاب به صورت‌های زیر بیان شده است:

۱. کفایة الاثر فی النّصّ علی الائمة الإثنی عشر
۲. کفایة الاثر فی النّصوص علی الائمة الإثنی عشر
۳. کتاب الكفایة فی النّصوص علی عدد الأئمة الإثنی عشر
۴. کتاب النّصوص
۵. نصوص الائمة

در این کتاب بر اساس آخرین انتشار آن توسط مکتبه العلامة المجلسی قم، یکصد و هشتاد و هشت روایت از رسول خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام در اثبات عدد ائمه آمده است. خزّاز کتاب را در چهل باب تدوین نموده است. او ابتدا در بیست و هشت باب، یکصد و بیست و دو روایت از بیست و هشت تن از اصحاب پیامبر نقل کرده است. سپس در یازده باب بعدی، پنجاه و نه روایت از یازده تن از ائمه (از امیرالمؤمنین تا امام عسکری علیه‌السلام) در تأیید روایات قبلی و نص بر امام بعدی

نقل کرده و در واپسین باب کتاب، هفت روایت از جناب زید بن علی در بیان تعداد امامان بیان کرده است.

در میان روایات نقل شده در کتاب کفایه، بیست و نه روایت از ابن بابویه (شیخ صدوق) نقل شده است، که مبنای کار در این مقاله قرار گرفته است.

معرفی خزاز قمی

ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الخزاز القمی الرازی، از اعلام قرن چهارم هجری و پنجم، فاضل، متکلم، فقیه و محدث عصر خویش است. در وثاقت او عالمان رجالی متقدم و متأخر زبان به تحسین و تأیید گشوده، وی را در کلام و فقه و حدیث از وجوه آن عصر شمرده‌اند. سخن نجاشی، پیشقدم رجالیان درباره وثاقت خزاز قمی، چنین است:

«علی بن محمد بن علی الخزاز ثقة من اصحابنا ابوالقاسم و كان فقیهاً وجهاً له كتاب

الايضاح في اصول الدين على مذهب اهل البيت (ع)» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۸)

ترجمه: علی بن محمد بن علی خزاز، مورد اعتماد از میان شیعه است. کنیه‌اش ابو القاسم و فقیه و چهره‌ای سرشناس است. کتابی به نام «الايضاح» در اصول دین دارد که بر مذهب اهل البيت (ع) نوشته است.

البته سخن ابن شهر آشوب مازندرانی متوفی ۵۸۸ قمری از اعلام قرن ششم در

کتاب معالم العلماء نیز ما را در این موضوع یاری می‌کند:

(علی) بن محمد بن علی الخزاز الرازی ويقال له القمی، له كتب في الكلام وفي الفقه، من كتبه: كتاب الاحكام الشرعية على مذهب الامامية، الايضاح في الاعتقاد، الكفاية في النصوص. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۶)

ترجمه: علی بن محمد بن علی خزاز رازی که به او قمی نیز گفته می‌شود. کتابهایی در کلام و فقه دارد. از جمله کتب اوست: کتاب «الاحكام الشرعية على مذهب الامامية»، کتاب «الايضاح» در عقاید، کتاب «الكفاية في النصوص»

خزّاز، از شاگردان برجسته شیخ صدوق، ابن بابویه است و تبویب زیبای وی در کتاب کفایة الاثر، آثار صدوق (رحمه الله) را به یاد می‌آورد. احمد بن محمد بن ابی عیّاش جوهری (صاحب کتاب مقتضب الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر) و ابوالفضل الشیبانی و حسین بن محمد بن سعید خزاعی، از جمله دیگر مشایخ او شمرده می‌شوند. او در کفایة الاثر از چهارده تن از مشایخ روایت نقل کرده است. از جمله آثار خزّاز کتب زیر را می‌توان نام برد: (۱) «الإيضاح» در عقاید، (۲) «الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة» در فقه، (۳) «الأمالی» در حدیث، (۴) «کفایة الأثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر» در کلام.

روش پژوهش

پژوهشگر در بررسی کتب حدیثی ممکن است روشهای مختلفی را در پیش گیرد. امروزه یکی از روشهای بررسی متون، بررسی ارتباط بینامتنی است. این روش بیشتر بر آثار ادبی متمرکز بوده است. اما در پژوهش‌های آثار ادبی - دینی و آثار تفسیری و حدیثی و بعضاً کلامی و سایر علوم نیز به کار گرفته شده است. توضیح بسیار مختصر در مورد این روش می‌تواند درآمدی بر ورود به آن باشد.

ارتباط بینامتنی

بر اساس نظریه‌ای که ژرار ژنت Gérard Genette فرانسوی (زاده ۱۹۳۰، پاریس - درگذشته ۱۱ مه ۲۰۱۸) در بررسی ارتباط متون بیان داشته است، ارتباط یک متن با دیگر متون را به پنج دسته تقسیم می‌کند و نام کلی این ارتباط را ترامنتیت می‌گذارد. این پنج دسته عبارتند از: بینامتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش متنیت. چون ورود به هر پنج دسته زمان زیادی می‌طلبد، ما در اینجا فقط به دسته مورد نظر خود اشاره می‌کنیم. به نظر نگارنده ارتباط متن کتاب کفایة الاثر خزّاز قمی با متون قبل از خود، مصداقی از بینامتنیت ژنت است. همچنین ارتباط

متن کتاب کفایة الاثر خزّاز قمی با متون و کتب شیخ صدوق نیز مصداق بارزی از بینامتنیت است. ژرار ژنت بینامتنیت را اینگونه تعریف می‌کند:

«من به نوبه خودم آن را بی‌شک شیوه‌ای محدود به وسیله یک رابطه هم حضوری میان دو یا چندین متن تعریف می‌کنم. یعنی به طور اساسی و اغلب با حضور واقعی یک متن در دیگری» . . . «هرگاه بخشی از یک متن (متن ۱) در متن دیگری (متن ۲) حضور داشته باشد، رابطه میان این دو رابطه بینامتنی محسوب می‌شود.» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۷)

«ژرار ژنت در نظریه ترامتنیت، محور بینامتنیت را حضور هم زمان دو یا چند متن و نیز حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر می‌داند و به روابط تأثیر و تأثر متن‌ها می‌پردازد. وی بینامتنیت را به سه نوع صریح - تعمدی (تضمین و نقل قول)، پنهان - تعمدی (انواع سرقت‌های ادبی) و ضمنی (کنایه و تلمیح) تقسیم می‌کند.» (صباغی، ۱۳۹۱: ۶۱)

ارتباط بینامتنی کفایة الاثر با کتب صدوق

بین کتاب کفایه و آثار شیخ صدوق یکی از انواع سه گانه رابطه بینامتنی وجود دارد. همان طور که در مقدمه به آن اشاره شد، ارتباط بینامتنی مقوله‌ای است که در چند دهه اخیر در مطالعه و بررسی متون به آن توجه شده است. بینامتنیت، ارتباط بین یک متن با متن دیگر، یا ارتباط یک متن با چند متن دیگر را بررسی می‌کند. بینامتنیت از نظر ژرار ژنت بر پایه هم حضوری عناصر دو یا چند متن در یک متن استوار شده است؛ یعنی هرگاه از یک متن ادبی یا هنری [یا دینی] عنصر یا عناصری در متن دوم حضور یابد و به طور یقین معلوم گردد که متن دوم به طور مستقیم یا غیرمستقیم از آن تأثیر پذیرفته، رابطه این دو، بینامتنی است. (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۳۱)

به تعبیر دیگر «بینامتنیت کاربرد آگاهانه یک متن در متن دیگر است؛ خواه به گونه‌ای کامل یا چونان پاره‌هایی از آن باشد» (احمدی، ۱۳۹۵: ۳۲۰)

بینامتنیت ژنت به سه دسته بزرگ تقسیم می‌شود:

۱-۱. بینامتنیت صریح و اعلام شده

در این نوع بینامتنیت، حضور آشکار یک متن در متن دیگر دیده می‌شود. به عبارت دیگر، در این نوع بینامتنیت مؤلفِ متن دوم، مرجع متن خود، یعنی متن اول را پنهان نمی‌کند. به همین دلیل حضور متن دیگری در آن مشاهده می‌شود. از این منظر، نقل قول، گونه‌ای بینامتنی می‌باشد که نقل قول با ارجاع و نقل قول بدون ارجاع از تقسیمات آن می‌باشد.

۱-۲. بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده

بینامتنیت غیرصریح بیانگر حضور پنهانی یک متن در متن دیگر است با این تفاوت که، این نوع بینامتنیت می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند و این پنهان کاری به خاطر ضرورت‌های ادبی نیست بلکه دلایلی فرا ادبی دارد. سرقت ادبی، یکی از مهمترین انواع بینامتنیت غیرصریح به شمار می‌آید که در آن بدون اجازه و ذکر مرجع به استفاده از متنی پرداخته می‌شود.

۱-۳. بینامتنیت ضمنی

گاهی نیز مؤلف متن دوم نمی‌خواهد در بینامتن خود پنهان کاری انجام دهد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را هم شناخت. این عمل هیچ گاه به صورت آشکار انجام نمی‌گیرد و به دلایل مختلف ادبی و علل دیگر به اشارات ضمنی بسنده می‌شود. بنابراین، بینامتنیت ضمنی نه همانند بینامتنیت صریح خود را اعلام می‌کند و نه همانند بینامتنیت غیرصریح سعی در پنهان کاری دارد. «مهمترین شکل-

های این نوع بینامتن کنایات، اشارات، تلمیحات و ... است». (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۸۹)

به نظر نگارنده، کتاب کفایه نمونه‌ای از بینامتنیت از نوع اول یعنی بینامتنیت

صریح و اعلام شده است. چرا که در تمامی موارد، خزاز قَمّی منابع خود را بیان کرده است. آلا اینکه کتابی را معرفی نکرده ولی به روش قدمای از محدثان، با به کار بردن لفظ حدّثنی یا حدّثنا، استفاده خود از منابع مکتوب قبلی را بیان داشته است. در مقایسه این کتاب با کتب شیخ صدوق در این مقاله، مشاهده می شود که خزاز قَمّی بیست و نه روایت از شیخ صدوق با شباهت بیش از ۹۸ درصد در سند و متن، نقل کرده است. بنابراین می توان گفت که این بیست و نه روایت مصداق بارزی از بینامتنیت صریح و اعلام شده ژنت است.

البته ناگفته نماند، چنانچه نظریه ژنت در اکثر حوزه های علمی به اثبات برسد، می توان این نتیجه را گرفت که در حوزه حدیث هر کتابی که نوشته شده به نوعی متأثر از مکتوبات حدیثی قبل از خود بوده و بر کتب بعد از خود نیز اثر گذاشته است.

کفایة الاثر نوعی از گونه مسندنگاری در حوزه حدیث شیعه

مسند (به ضمّ میم، جمع آن: مسانید) به کتابی گفته می شود که مؤلف، احادیث آن را بر حسب نام صحابیان مرتّب کرده است. مسندهای صحابیان غالباً به ترتیب الفبایی نام آنان یا وابستگی آنها به قبائل عرب و یا سوابق صحابیان در اسلام - و احیاناً فضائل دیگر از جمله شرکت در جنگ ها و جز آن - مرتب شده است. و طریق اخیر به عقیده خطیب بغدادی مطلوب تر بوده است و محدثان در انجام آن کتاب خود را با آوردن مسانید ده نفر از صحابیان که به زعم آنان وعده بهشت یافته اند آغاز کرده و سپس با مسانید متقدّمان صحابه از اصحاب بدر دنبال می کردند. گاه نیز مسند نزد محدثان به کتابی اطلاق می شود که روایات آن به صورت مسند و مرفوع درج شده و بر پایه ابواب فقهی مرتب شده است. مانند مسند بقی بن مخلد اندلسی (متوفی ۲۷۶) که تدوین روایات آن برحسب موضوعات فقهی بوده

است. مسندنویسی گرایش خاصی در شیوه تدوین حدیث به شمار می‌رود که از اواخر قرن دوم بین محدثان متداول گردید. این شیوه زمانی دائر گردید که محدثان تصمیم گرفتند احادیث پیامبر را جدا از فتاوی صحابه و تابعان جمع‌آوری کنند. برخی از محققان معتقدند که نخستین مسند به معنای یادشده را ابوداود طیالسی (متوفی ۲۰۴) تدوین کرد و به دنبال آن عبیدالله بن موسی (متوفی ۲۱۳)، حمیدی (متوفی ۲۱۹)، مسدد بن سرهد (متوفی ۲۲۸)، اسحاق بن راهویه (متوفی ۲۳۷)، عثمان بن ابی شیبیه (متوفی ۲۳۹)، محمدبن مهدی (متوفی ۲۷۲) و بقی بن مخلد قرطبی مسندهایی تألیف کردند. بزرگ‌ترین مسندی که از دوره متقدمان باقی مانده همان مسند احمد بن حنبل است. مسندها از شمار و تنوع بسیاری برخوردار هستند و بسیاری از مسندهای متقدمان به صورت مخطوط و یا مطبوع وجود دارد. مسند نویسی در شیعه نیز پیشینه دارد و آثار متعددی با این عنوان ساماندهی شده است. در دوره معاصر نیز مسند نویسی به شیوه نوینی دنبال شده که جمع روایات وارده از یک صحابی و انتشار آن - مانند مسند علی بن ابیطالب تألیف یوسف ازبک - در اهل سنت و مسندهای هر یک از امامان شیعه تألیف عزیزالله عطاردی از جمله این کوشش‌ها به شمار می‌رود. (معارف، ۱۳۹۶: ۳۷۲)

با توجه به تعریف گونه حدیثی مسند که در بالا بیان شد، کفایه را می‌توان نوعی از گونه مسندنواری در حوزه حدیث شیعه معرفی نمود. چرا که خزّاز قمی روایات خود را بر اساس نام صحابه آورده است. البته یک تفاوت عمده کار خزّاز با دیگر مسندها در آن است که اشتراک موضوعی برای نقل روایات قرار داده است. یعنی روایات مربوط به عدد ائمه اثنی عشر را بر اساس ترتیبی از نام صحابه تنظیم کرده است. گفتنی است که بر اساس مطالعه نگارنده این سطور، ترتیب خاصی برای نقل از صحابه در کفایه یافته نشد. صرفاً می‌توان بیان کرد که چون بر اساس نام صحابه

مرتب شده است، می‌توان آن را نوعی از مسند تلقی نمود.

پیشینه

کفایه تاکنون چند بار به چاپ رسیده است.

۱. کفایه الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، که توسط عبداللطیف حسینی کوهکمری تحقیق شده و توسط انتشارات بیدار قم در سال ۱۳۵۸ شمسی منتشر شده است.
 ۲. کفایه الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنی عشر، که توسط محمداکرم موسوی و عقیل ربیعی تحقیق شده و توسط انتشارات دلیل ما در قم در سال ۱۳۸۷ شمسی منتشر شده است.
 ۳. کفایه الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، که توسط رضا رفیعی تحقیق و ترجمه و توسط انتشارات زمزم هدایت به سفارش بنیاد بین‌المللی غدیر در تهران در سال ۱۳۹۲ شمسی منتشر شده است.
 ۴. کتاب الکفایه فی النصوص علی عدد الائمة الاثنی عشر، که توسط رضا رفیعی تحقیق شده و توسط مکتبه العلامة المجلسی قم در سال ۱۳۹۷ شمسی منتشر شده است.
- در مورد کتاب کفایه الاثر و مؤلف آن خراز قمی، تاکنون مقاله‌ای علمی منتشر نشده است. البته در مقدمه چاپ‌های مختلف آن، تحقیقات مفیدی صورت گرفته است که کامترین آنها را رضا رفیعی در چاپ سال ۱۳۹۷ شمسی توسط مکتبه العلامة المجلسی قم انجام داده است. لازم به ذکر است که پیرامون ابتناء کفایه الاثر بر مکتوبات پیشین و نیز بر مکتوبات شیخ صدوق تاکنون مقاله یا تحقیقی منتشر نشده است. البته در موضوع ائمه اثنی عشر مقالات متعددی منتشر شده است که اغلب پیرامون اصل موضوع ائمه دوازده‌گانه بوده و در مورد تحقیق پیرامون کتاب کفایه نبوده است. آدرس و نام تعدادی از این مقالات که مورد مراجعه نگارنده بوده است در فهرست منابع آمده است.

بخش دوم: متن پژوهش

در این بخش روایاتی را که خزاز از شیخ صدوق نقل کرده است نقل می‌کنیم. توجه به نکات زیر بررسی نتایج را آسان‌تر می‌نماید:

۱. شماره روایات کفایه، بر اساس شماره مسلسل روایت در چاپ مکتبه العلامة المجلسی است. (شماره روایت کفایه در نرم‌افزار نور که همان چاپ انتشارات بیدار قم است در جدول ضمیمه قرار داده شده است)

۲. شماره روایات کتب شیخ صدوق و صفحه مورد نظر آن از نرم‌افزار نور گرفته شده است.

۳. در هر روایت نام صحابی و در صورت طولانی بودن، مضمون روایت و در صورت کوتاه بودن، کل روایت بیان شده است.

۴. مرحوم خزاز قمی روایات کتاب کفایه را در ۴۰ باب تنظیم نموده است. او کتاب را فصل‌بندی نکرده است. نگارنده در اینجا فصل‌بندی پیشنهادی را ارائه کرده و بر اساس آن مطالعه کفایه را آسانتر نموده است:

۱. **الفصل الاول:** ابواب ما جاء عن اصحاب النبي ﷺ في النصوص على الائمة الاثني عشر عليهم السلام و فيه ۲۸ باباً و ۱۲۲ حديثاً.

۲. **الفصل الثاني:** ابواب ما جاء عن الائمة المعصومين ﷺ ما يوافق اخبار السابقة و نص بعضهم على بعض و فيه ۱۱ باباً و ۵۹ حديثاً.

۳. **الفصل الثالث:** باب واحد فيما جاء عن زيد بن علي ع في عدد الائمة الاثني عشر و الامام الحجة ﷺ و فيه ۷ حديثاً.

فهرست ۲۹ روایت نقل شده از صدوق در کفایه و تطبیق آن با کتب صدوق

۱. روایت ۱: این حدیث را عبد الله بن عباس از رسول اکرم ﷺ روایت کرده و در آن نام امیرالمؤمنین و حسنین ﷺ به عنوان خلیفه و وصی پیامبر برده شده و از

فرزندان امام حسین علیه السلام نیز با این تعبیر وَ جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أئمةً ليوصونَ بِأمری وَ يَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي یاد شده و از مهدی امت عج با تعبیر التاسع منهم قائم أهل بيتی وَ مَهْدِي أُمَّتِي یاد شده است.

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۷ ح ۲ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲. روایت ۴: این حدیث را عبد الله بن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۰ ح ۲۸ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

- عیون ج ۱ ص ۶۴ ح ۳۰ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۳. روایت ۷: این حدیث را عبد الله بن مسعود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است. «... عَهْدٌ إِلَيْنَا نَبِيْنَا صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً بَعْدَ نُبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۷۰ ح ۱۶ (با ۹۸ درصد شباهت)

- عیون ج ۱ ص ۴۹ ح ۱۰ (با ۹۸ درصد شباهت)

- الخصال ج ۲ ص ۴۶۶ ح ۶ (با ۹۸ درصد شباهت)

۴. روایت ۸: این حدیث را عبد الله بن مسعود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «الْخُلَفَاءُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ كَعِدَةِ نُبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۱۸ (با ۹۸ درصد شباهت)

- عیون ج ۱ ص ۴۹ ح ۱۱ (با ۹۸ درصد شباهت)

- الخصال ج ۲ ص ۴۶۷ ح ۸ (با ۹۸ درصد شباهت)

۵. روایت ۲۸: حدیث را سلمان فارسی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود: «... أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ السَّيِّدِ أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ أَبُو الْأَيْمَةِ أَنْتَ حُجَّةُ

ابْنِ حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِكَ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۶۲ ح ۹ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

- عیون ج ۲ ص ۵۲ ح ۱۷ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- الخصال ج ۲ ص ۴۷۵ ح ۳۸ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۶. روایت ۳۰: این حدیث را جابر بن سمرة از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است: «... يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا... كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»
- کمال الدین ج ۱ ص ۲۷۲ ح ۱۹ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- عیون ج ۱ ص ۵۰ ح ۱۲ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- الخصال ج ۲ ص ۴۶۹ ح ۱۲ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۷. روایت ۳۱: این حدیث را جابر بن سمرة از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طریق دیگر روایت کرده و مشابه حدیث قبلی است.
- کمال الدین ج ۱ ص ۲۷۲ ح ۲۰ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- الخصال ج ۲ ص ۴۶۹ ح ۱۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۸. روایت ۳۲: این حدیث را جابر بن سمرة از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طریق دیگر روایت کرده و مشابه حدیث قبلی است.
- عیون ج ۱ ص ۵۰ ح ۱۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- الخصال ج ۲ ص ۴۷۰ ح ۱۶ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۹. روایت ۳۳: این حدیث را جابر بن سمرة از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طریق دیگر روایت کرده و مشابه حدیث قبلی است.
- عیون ج ۱ ص ۵۰ ح ۱۴ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- الخصال ج ۲ ص ۴۷۲ ح ۲۶ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۱۰. روایت ۳۹: حدیث را جابر بن عبد الله انصاری از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است: «الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ...»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۶ ح ۱ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
توضیح: این روایت فقط به این اشاره دارد که مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان رسول
خداست و به عدد ائمه اشاره ندارد.

۱۱. روایت ۸۶: این حدیث را ابی قتاده بن الحارث بن الربیع از رسول صلی الله علیه و آله روایت
کرده است: «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُبِيَّ إِسْرَائِيلَ وَ حَوَارِي عِيسَى.»
توضیح: در کتب صدوق یافت نشد.

۱۲. روایت ۸۸: این حدیث را امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع از رسول
اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است. در این حدیث رسول خدا نام یک ائمه را بیان
فرموده است.

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۸ ح ۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۱۳. روایت ۸۹: این حدیث را امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع از رسول
اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است. «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ
الْقَائِمُ ... الْمُتَرْتِبُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۹ ح ۴ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
- عیون ج ۱ ص ۵۹ ح ۲۸ (با ۱۰۰ درصد شباهت)
۱۴. روایت ۹۲: این حدیث را امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع از رسول
اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است. در این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از خداوند
تبارک و تعالی در داستان معراج نام یک ائمه را بیان فرموده است.

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۲ (با ۹۸ درصد شباهت)
- عیون ج ۱ ص ۵۸ ح ۲۷ (با ۹۸ درصد شباهت)

۱۵. روایت ۹۳: این حدیث را امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع از رسول
اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است: «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ

الْقَائِمُ ... الْمُتَرِّقُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۹ ح ۴ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

- عیون ج ۱ ص ۵۹ ح ۲۸ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

توجه: تا اینجا روایاتی که صحابه از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند نقل شده، در فصل دوم خزاز قمی روایات ائمه علیهم السلام را در تأیید روایات قبلی آورده است. اغلب این احادیث نصّ امامی بر امام بعدی است.

۱۶. روایت ۱۲۴: اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است. آن حضرت از یازدهمین فرزندش امام مهدی علیه السلام و غیبت او یاد فرموده است. «... فَكَرَّثُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...»

- کمال الدین ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۱ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۱۷. روایت ۱۲۵: امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت فرموده است: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ لِذَلِكَ الْأَمْرِ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةٌ مُحَدَّثُونَ.»

- کمال الدین ج ۱ ص ۳۰۴ ح ۱۹ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۱۸. روایت ۱۳۰: ابی سعید عقیصا از بیان امام حسن مجتبی علیه السلام پس از صلح با معاویه روایت کرده است. «... أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يَصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ... ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ...»

- کمال الدین ج ۱ ص ۳۱۵ ح ۲ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۱۹. روایت ۱۳۳: عبد الرحمن بن سابط از امام حسین علیه السلام روایت کرده است. «مِنَّا أَنَا عَشْرٌ مَهْدِيًّا أَوْ هُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ ...»

- کمال الدین ج ۱ ص ۳۱۷ ح ۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

- عیون ج ۱ ص ۶۸ ح ۳۶ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۰. روایت ۱۵۷: حسین بن نَعِیم صحّاف از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است. آن حضرت فرزندش علی بن موسی را به عنوان سید فرزندانش به علی بن یقطین معرفی فرموده است. «... یا عَلِیُّ بْنُ یَقْطِیْنٍ هَذَا عَلِیُّ سَیِّدُ وُلْدِیْ أَمَا إِنِّیْ قَدْ نَحَلْتُهُ کُنِیَّتِیْ ...»

- عیون ج ۱ ص ۲۱ ح ۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۱. روایت ۱۵۸: علی بن عبد الله از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است. آن حضرت جمع حاضر را بر وکالت و وصایت حضرت علی بن موسی گواه گرفته است. «... فَقَالَ مَنْ هَذَا فُلْنَا عَلِیُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَقَالَ اشْهَدُوا أَنَّهُ وَكَيْلِي فِي حَيَاتِي وَوَصِيِّي بَعْدَ مَوْتِي.»

- عیون ج ۱ ص ۲۶ ح ۱۲ (با ۹۸ درصد شباهت)

۲۲. روایت ۱۶۰: بَكْرُ بْنُ مُوسَى الْوَاسِطِيُّ از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است. «... ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى ابْنِهِ عَلِيٍّ فَقَالَ وَ قَدْ أَرَانِي اللَّهُ خَلْفِي مِنْ نَفْسِي.»

- الخصال ج ۱ ص ۲۶ ح ۹۴ (با ۸۰ درصد شباهت)

۲۳. روایت ۱۶۱: حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چهارمین از فرزندانش را قائم اهل البيت معرفی فرموده است. «... قِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ ...»

- کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۱ ح ۵ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۴. روایت ۱۶۴: إِسْمَاعِيلُ بْنُ بَرِيعٍ از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. امام هشتم علیه السلام پسرش را قبل از تولدش امام پس از خود معرفی فرموده است: «... قِيلَ لَهُ أَيْ يَكُونُ

الإمامة في عمّ أو خالٍ فقال لا فقال في أخ قال لا قال ففي من قال في ولدي و هو يومئذ لا ولد له.»

- در کتب صدوق یافت نشد ولی در کتاب الامامة و التبصرة ص ۴۶ ح ۵۹ از علی بن الحسين بن بابويه (پدر شیخ صدوق) نقل شده است.

۲۵. روایت ۱۶۷: عبد العظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت کرده است: «... فقال يا ابا القاسم إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من وُلدي ...»

- کمال‌الدین ج ۲ ص ۳۷۷ ح ۱ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۶. روایت ۱۶۹: صفّر بن ابي دلف از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. امام نهم در این حدیث سه امام پس از خود را معرفی و ویژگی‌هایی از دوران غیبت امام مهدی علیه السلام را بیان فرموده است: «الإمام بعدي ابني علي ... و الإمام بعده ابنة الحسن ... إن بعد الحسن ابنة القائم بالحق المنتظر ...»

- کمال‌الدین ج ۲ ص ۳۷۸ ح ۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۷. روایت ۱۷۲: عبد العظیم حسنی از امام هادی علیه السلام روایت کرده است. این همان حدیث عرض عقاید بر امام هادی علیه السلام است. در این حدیث طولانی عبدالعظیم جزو عقاید خود، امامان اهل بیت علیهم السلام را تا خود آن حضرت نام برده است و امام نیز امام پس از خود و امام مهدی علیه السلام و ویژگی‌هایی از آن حضرت را یاد فرموده است.

- کمال‌الدین ج ۲ ص ۳۷۹ ح ۱ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۸. روایت ۱۷۶: موسی بن جعفر بن وهب بغدادی از امام حسن عسکری علیه السلام توقیعی را روایت کرده است. «... زعموا أنهم يريدون قتلي ليعطوا هذا النسب و قد كذب الله تعالى قوهم و الحمد لله.»

- کمال‌الدین ج ۲ ص ۴۰۷ ح ۳ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

۲۹. روایت ۱۷۹: أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است. به عنوان حسن ختام آوردن این روایت مبارک خواهد بود: «سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي مَا أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَلْقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ وَ يَظْهَرُهُ فِيمَا أَلْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِقَتْ حَوْرًا وَ ظُلْمًا.»

- کمال‌الدین ج ۲ ص ۴۰۹ ح ۷ (با ۱۰۰ درصد شباهت)

بخش سوم: تحلیل و جمع‌بندی

خراز قمی در کفایة الاثر بیست و نه حدیث از شیخ صدوق نقل کرده است. در این مقاله شماره این روایات با استفاده از چاپ مکتبه العلامة المجلسی نقل شد. ولی در جداول برای استفاده اهل تحقیق شماره روایات در نرم‌افزار نور نیز آمده است. در یک بررسی که در سه کتاب شیخ صدوق یعنی «کمال‌الدین و تمام النعمة»، «عیون اخبار الرضا علیه السلام» و «الخصال» انجام شد، فراوانی این احادیث در این سه کتاب به صورت زیر به دست آمد:

- مشترک در سه کتاب کمال‌الدین و عیون و خصال ۴ حدیث
- مشترک در دو کتاب کمال‌الدین و عیون ۵ حدیث
- مشترک در دو کتاب کمال‌الدین و خصال ۱ حدیث
- مشترک در دو کتاب عیون و خصال ۲ حدیث
- فقط در کمال‌الدین ۱۳ حدیث
- فقط در عیون ۲ حدیث
- فقط در خصال ۱ حدیث
- هیچکدام ۲ حدیث

با دقت در نتایج فوق، بیشترین فراوانی به ترتیب زیر است:

- کمال الدین ۲۲ حدیث
- عیون ۱۳ حدیث
- خصال ۸ حدیث
- هیچکدام ۲ حدیث

جدول اثر پذیری کفایه از کتب شیخ صدوق

در این جدول ۲۹ حدیث کفایه الاثر که از مرحوم شیخ صدوق روایت شده است با سه کتاب از کتب او مطابقت داده شده است. کتب مورد مطابقت شیخ صدوق عبارتند از: «کمال الدین و تمام النعمة»، «عیون اخبار الرضا (علیه السلام)» و «الخصال». معیار شماره احادیث در کفایه بر مبنای چاپ کتابخانه علامه مجلسی قم است. به خاطر سهولت دست یافتن به احادیث در نرم افزار جامع الاحادیث نور ۳/۵، شماره آن در چاپ انتشارات بیدار قم نیز در جدول آمده است. لازم به ذکر است که احادیث در چاپ انتشارات بیدار شماره ندارد ولی در نرم افزار نور در زبانه «حدیث» دارای شماره شده است و این شماره‌ها بر همان مبنای می‌باشد.

اعداد مربوط به جلد، صفحه و شماره حدیث «کتب شیخ صدوق» و کتاب «کفایه الاثر چاپ انتشارات بیدار» در این جدول بر اساس آدرس احادیث در نرم افزار جامع الاحادیث نور است. ولی شماره احادیث کفایه الاثر در چاپ کتابخانه علامه مجلسی قم، بر اساس شماره کتاب چاپی است. چون این چاپ در نرم افزار موجود نمی‌باشد. درصد شباهت احادیث کفایه الاثر با کتب شیخ صدوق نیز در ستون پایانی آمده است.

جدول اثر پذیری کفایه از کتب شیخ صدوق

ردیف	شماره حدیث در چاپ مجلسی	شماره حدیث در چاپ بیدار	کمال الدین جلد-صفحه- حدیث	عیون جلد-صفحه- حدیث	خصال جلد-صفحه- حدیث	درصد شباهت
۱	۱	۱	۲-۲۵۷-۱	-	-	۱۰۰
۲	۴	۴	۲۸-۲۸۰-۱	۳۰-۶۴-۱	-	۱۰۰
۳	۷	۷	۱۶-۲۷۰-۱	۱۰-۴۹-۱	۶-۴۶۶-۲	۹۸
۴	۸	۸	۱۸-۲۷۱-۱	۱۱-۴۹-۱	۸-۴۶۷-۲	۹۸
۵	۲۸	۲۹	۹-۲۶۲-۱	۱۷-۵۲-۲	۳۸-۴۷۵-۲	۱۰۰
۶	۳۰	۳۱	۱۹-۲۷۲-۱	۱۲-۵۰-۱	۱۲-۴۶۹-۲	۱۰۰
۷	۳۱	۳۲	۲۰-۲۷۲-۱	-	۱۳-۴۶۹-۲	۱۰۰
۸	۳۲	۳۳	-	۱۳-۵۰-۱	۱۶-۴۷۰-۲	۱۰۰
۹	۳۳	۳۴	-	۱۴-۵۰-۱	۲۶-۴۷۲-۲	۱۰۰
۱۰	۳۹	۴۱	۱-۲۸۶-۱	-	-	۱۰۰
۱۱	۸۶	۸۸	-	-	-	-
۱۲	۸۸	۹۰	۳-۲۵۸-۱	-	-	۱۰۰
۱۳	۸۹	۹۱	۴-۲۵۹-۱	۲۸-۵۹-۱	-	۱۰۰
۱۴	۹۲	۹۴	۲-۲۵۲-۱	۲۷-۵۸-۱	-	۹۸
۱۵	۹۳	۹۵	۴-۲۵۹-۱	۲۸-۵۹-۱	-	۱۰۰
۱۶	۱۲۴	۱۳۰	۱-۲۸۸-۱	-	-	۱۰۰
۱۷	۱۲۵	۱۳۱	۱۹-۳۰۴-۱	-	-	۱۰۰
۱۸	۱۳۰	۱۳۶	۲-۳۱۵-۱	-	-	۱۰۰
۱۹	۱۳۳	۱۳۹	۳-۳۱۷-۱	۳۶-۶۸-۱	-	۱۰۰
۲۰	۱۵۷	۱۶۳	-	۳-۲۱-۱	-	۱۰۰
۲۱	۱۵۸	۱۶۴	-	۱۲-۲۶-۱	-	۹۸
۲۲	۱۶۰	۱۶۶	-	-	۹۴-۲۶-۱	۸۰
۲۳	۱۶۱	۱۶۷	۵-۳۷۱-۲	-	-	۱۰۰
۲۴	۱۶۴	۱۷۰	-	-	-	-
۲۵	۱۶۷	۱۷۳	۱-۳۷۷-۲	-	-	۱۰۰
۲۶	۱۶۹	۱۷۵	۳-۳۷۸-۲	-	-	۱۰۰

۱۰۰	-	-	۱-۳۷۹-۲	۱۷۸	۱۷۲	۲۷
۱۰۰	-	-	۳-۴۰۷-۲	۱۸۲	۱۷۶	۲۸
۱۰۰	-	-	۷-۴۰۸-۲	۱۸۵	۱۷۹	۲۹

نتیجه گیری

در این مقاله با توجه به تطبیق روایات کتاب کفایة الاثر مرحوم خزّاز قمی با کتب شیخ صدوق رحمة الله علیه، ملاحظه شد که از میان ۲۹ روایت که از شیخ صدوق نقل شده است، ۲۷ روایت با میانگین شباهت ۹۸/۵ درصد در سه کتاب کمال الدین، عیون اخبار الرضا علیه السلام و الخصال موجود است. توجه به درصد شباهت روایات، ما را به این نتیجه می‌رساند که مرحوم خزّاز قمی این روایات را از کتاب‌های مرحوم صدوق نقل نموده و نقل شفاهی از روایات نمی‌باشد.

قابل توجه است که این مقدار شباهت در نقل روایات از کتب شیخ صدوق، به نوعی روشی را در نقل روایت برای خزّاز ثابت می‌کند. به این معنا که روش خزّاز در نقل روایت مبتنی بر مکتوبات بوده است و چنانچه در زمان ما کتاب برخی از مشایخ وی در دسترس نباشد یا اینکه این روایات در لابلای کتب دیگر ایشان مستور باشد، نمی‌تواند به روش خزّاز در نقل روایت خدشه وارد کند.



منابع

۱. ابن بابویه، علی بن الحسین، الإمامة و التبصرة من الحیر، چاپ اول، قم، مدرسه الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۴ هـ.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، صدوق، النخصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۳. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ هـ.
۴. _____، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵ هـ.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، چاپ اول، قم، علامه، ۱۳۷۹ هـ.
۶. _____، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیماً و جدیداً، تحقیق طباطبائی یزدی، علی، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴ ش.
۷. احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، چاپ هجدهم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۵ ش.
۸. استادی، رضا، «نصوص شیخ مفید یا کفایة الاثر خزاز»، کیهان اندیشه، شماره ۵۴-۴۹، مرداد و شهریور ۱۳۷۲ ش.
۹. الویری، محسن، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری»، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴ ش.
۱۰. جامع الاحادیث نور، فرهنگ جامع احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نسخه ۳/۵.
۱۱. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، چاپ اول، قم، انتشارات طباطبائی، بی تا.
۱۲. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، چاپ اول، قم، بیدار، ۱۴۰۱ هـ.
۱۳. _____، کفایة الأثر فی النصوص علی الأئمة الإثنی عشر، چاپ اول، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. _____، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، چاپ دوم، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. _____، کتاب الکفایة فی النصوص علی عدد الأئمة الإثنی عشر، چاپ اول، قم، مکتبه العلامة المجلسی، ۱۳۹۶ ش.
۱۶. رضوی، سید فیاض حسین، «بررسی حدیث "یکون بعدی اثنا عشر" از دیدگاه اهل سنت»، مجله طلوع، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. زینعلی، غلامحسین، «امامت امامان در صحاح اهل سنت»، مجله تخصصی کلام اسلامی، سال سیزدهم، شماره مسلسل ۵۲، ۱۳۸۳ ش.
۱۸. صباغی، علی، «بررسی تطبیقی محورهای سه گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۹، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۱ ش.

۱۹. کولبرگ، اتان، «از امامیه تا اثنی عشریه»، ترجمه محسن الویری، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴ ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ هـ.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ.
۲۲. مدرسی طباطبایی، سید حسین، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، چاپ اول، تهران، کویر، ۱۳۸۹ ش.
۲۳. معارف، مجید، *مباحثی در تاریخ حدیث*، چاپ دوم، تهران، نیا، ۱۳۹۶ ش.
۲۴. نامور مطلق، بهمن، «ترامنتیت، مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۲۵. نامور مطلق، بهمن، *بینامتنیت*، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۵ ش.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۲۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، چاپ اول، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ هـ.
۲۸. نورمحمدی، محمد رضا، «بازخوانی احادیث خلفای دوازده‌گانه پیامبر با تأکید بر منابع اهل سنت»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۷، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۰ ش.